

متن پرسش

ضمن سلام میخواهم برانم که سرّ حکمت دانستن یک چیز چیست؟ مثلاً چرا استاد عالی قدر ما استاد طاهر زاده در مباحث خودشان مسائل سیاسی را مطرح میکنند که چندان مربوط به موضوع نمیشود؟ مثلاً در بحث "زن" از مصدق سخن به میان می آورند و میگویند که ایشان یک کافر به تمام معنا هستند. شنیدن این سخن برای جاهلی که عمری با آثار این گونه افراد عشق کرده چه حس و قضاوتی را در دلشان ایجاد میکند؟ شاید باعث شود که عده ای که از نظر سیاسی با ایشان اختلاف نظر دارند به دلیل این اختلاف نظر از شنیدن بحث ها خودداری کرده و هدایت نشوند؟ در حالی که میشود برای مسائل سیاسی جلسه های مجزایی در نظر گرفت. البته بنده به این حقیقت کاملاً واقفم که ایشان مصداق حدیثینند که میگوید افرادی گوششان، لسانشان و خلاصه کلیه ی جوارحشان گوش و چشم و ... خداست. (با مراتب گوناگون). ولی میخواهم بدانم که سر و حکمت این کارشان چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی علیکم السلام از سر دلسوزی نگران هستی که افراد بتوانند هرچه بیشتر با معارف الهی آشنا شوند، خداوند شما را با پیامبران «علیهم السلام» که دلسوزان واقعی بشریت اند محشور کند، ولی ای عزیز! اگر در دل معارف الهی، جهت گیری سیاسی و اجتماعی افراد تصحیح نشود، عبادات او به کارش نمی آید. در همین راستا است که پیامبر «صلوٰة الله علیه و آله» می فرماید: «لَوْ عَبْدَ اللهُ عَبْدٌ سَبْعِينَ حَرِيفًا تَحْتَ الْمِيزَابِ قَائِمًا لَيْلَهُ، صَائِمًا نَهَارَهُ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وِلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ «علیه السلام» لَأَكَبَّهُ اللهُ عَلَىٰ مُنْحَرِيهِ فِي النَّارِ»؛ اگر بنده ای خدای را هفتادسال زیر ناودان کعبه عبادت کند در حالی که شب ها به نماز ایستاده و روزها، روزه دار است و ولایت علی بن ابی طالب «علیه السلام» را نداشته باشد، از بینی او را در آتش می اندازند. پس پذیرش ولایت الهی و قبول حاکمیت احکام الهی در نظام اجتماعی □ که از طریق خدا و رسول «صلوٰة الله علیه و آله» و امامان معصوم «علیهم السلام» - محقق می شود شرط دینداری است و اگر امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» در مورد مصدق می فرماید: «او هم مُسلم نبود» بر همین اساس است که عرض شد. موفق باشید